دیدار با مسئولین فدراسیون جهانی سندیکایی (F.S.M)

هیئت نمایندگی کمیسیون روابط سندیکایی کارگران ایران در روزهای اول و دوم دسامبر ۲۰۰۲ در شهر پراگ پایتخت جمهوری چک با مسئولین فدراسیون جهانی سندیکایی در محیط دوستانه‌ای ملاقات کردند. دیدار رسمی روز دوم دسامبر در مرکز F.S.M انجام شد. مسئولین F.S.M در این دیدار عبارت بودند از:

الکساندر ژاریکوف دبیر کل فدراسیون جهانی از روسیه

یان نموردی معاون اول فدراسیون جهانی از لهستان

میروادییت خزانه‌دار فدراسیون جهانی از سوریه

جبار ایانی مسئول خاورمیانه فدراسیون جهانی از جمهوری چک (اصلیت عراقی دارد)

گفتگوها در محیط دوستانه به مدت سه ساعت جریان داشت و دستور جلسه‌که از طرف کمیسیون روابط سندیکایی کارگران ایران پیشنهاد شده بود به قرار زیر بوده است:

۱ - اوضاع کلی در جمهوری اسلامی (درگیری جناح‌های حکومتی رشد جنبش‌های اعتراض توده‌ای و تاثیر اوضاع سیاسی در میان کارگران و زحمتکشان؟

۲ - بررسی نظر کارشناسان سازمان بین‌المللی کار در باره نبود تشکل‌های مستقل سندیکایی در ایران

۳ - ارزیابی عملکرد خانه کارگر و نقش آن در کنترل حرکات کارگری ایران

در ابتدای جلسه دبیر کل F.S.M ضمن خوش آمدگوئی به هیئت نمایندگی کمیسیون روابط سندیکایی کارگران ایران از همکاری هیئت با F.S.M قدردانی کرد و به گسترش ارتباطات متقابل تاکید نمود و کمیسیون روابط سندیکایی با پیگیرترین تشکل ایرانی در دفاع از حقوق کارگران نامید. الکساندر ژاریکوف که چندی پیش در راس هیئت F.S.M به دعوت خانه کارگر به ایران مسافرت کرده بود با علاقمندی آمادگی خود را به شنیدن انتقادات ما از سیاستهای کارگری جمهوری اسلامی اعلام کرد. او گفت که کمیسیون روابط سندیکایی کارگران ایران تنها عضو رسمی از طرف کارگران ایران در F.S.M می‌باشد و ما نظریات کمیسیون را در تصمیم‌گیری‌های خودمان در باره ایران مبنا قرار می‌دهیم.

به دنبال سخنان دبیر کل F.S.M یکی از اعضا کمیسیون اوضاع سیاسی روز ایران را تشریح کرد. او ضمن اشاره به رشد جنبش دانشجویی بعد از صدور حکم اعدام یک استاد دانشگاه در ایران و همچنین تشدید اختلافات درون حکومت را که تمام نهادهای حکومتی را در برگرفته گفت بحران روز به روز شدید می‌شود و انتظار می‌رود که طی ماه‌های آینده جنبش اعتراضی با بهره‌گیری از اختلافات درون حکومت وارد فاز جدیدی شود و شرایط جدیدی در کشور ایجاد بکند که ما فکر می‌کنیم هرگونه تغییر در شرایط فعلی زمینه رشد جنبش طبقه کارگر را فراهم خواهد ساخت و احتمال پیوند جنبش کارگری با جنبش دانشجویی و جنبش‌های محلی که در گوشه و کنار ایران وجود دارد ممکن خواهد شد.

در حال حاضر عامل عمده بازدارندگی اعتراضات کارگری وجود شوراهای اسلامی و خانه کارگر است که می‌کوشد اعتراضات کارگری را به حمایت از این یا آن جناح حکومتی محدود کند و در مقابلهی که اعتصابات و اعتراضات خودجوش بوجود می‌آید به بهانه غیرقانونی بودن آن‌ها را سرکوب می‌کند.

دبیر کل F.S.M ضمن تحسین تحلیل‌های ما گفت که ایران کشور بزرگی است و ما به اهمیت آن در منطقه ارزش قائل هستیم. خیلی‌ها می‌کوشند با ایران رابطه داشته باشند و ما هم قبل از این که درها بسته شود به دعوت آن‌ها جواب مثبت دادیم و رفتیم از شهرهای تهران، اصفهان و شیراز صحبت کردیم. استراتژی F.S.M عبارت است از گردآوری هرچه بیشتر نیرو و جذب تشکل‌های کارگری، حمایت از سندیکا و اتحادیه‌های مستقل مخالفت با سلطه جهانی آمریکا و مبارزه با اقتصاد لیبرالی و دفاع از فلسطین.

یکی از اعضای هیئت در جواب ژاریکوف گفت:

ما وضعیت شما را درک می‌کنیم و به نظریات شما احترام می‌گذاریم. در ضمن یادآوری می‌کنیم‌که نه شوراهای اسلامی و نه خانه کارگر سندیکا و اتحادیه به معنای واقعی کار نیستند. از نظر ما آن‌ها شکل‌های حکومتی برای کنترل کارگران می‌باشند. آنچه‌که به مخالفت جمهوری اسلامی با آمریکا مربوط می‌شود باید توجه داشت که طی ۲۳ سال بعد از انقلاب ایران تمام سیاست‌های جمهور اسلامی به نفع آمرکا تمام شده و موقعیت آمریکا را در منطقه تثبیت کرده است. در باره مبارزه با لیبرالیسم نیز آنچه‌که ما در جامعه ایران می‌بینیم تشدید اختلاف طبقاتی و فقیرترشدن کارگران است.

ژاریکوف در جواب گفت:

ما نظریات شما را می‌فهمیم: «باید قبول کرد که همه شما و ما یک تشکل جهانی هستیم‌که در ۱۲۰ کشور عضو داریم. طبیعی است که هرکدام از آن‌ها نظریات متفاوت و حتی مخالف با دیگران داشته باشند. باید از مجموع آن‌ها نقاط مشترک را برگزیده و به آن استناد کرد. ما هم به نقاط ایدئولوژیک توجه داریم و نه به اختلافات.

به دنبال سخنان ژاریکوف یکی دیگر از اعضا و هیئت نمایندگی کمیسیون روابط سندیکایی کارگران ایران توضیحات مفصلی در باره ماهیت خانه کارگر داد که اطلاعات دقیق نامبرده مسئولین F.S.M را به تعجب واداشته بود. بویژه توضیحات مستند در باره یکایک اعضا رهبری خانه کارگر حزب اسلامی کار و وزارت کار بیانگر آن بود که اعضا هیئت نمایندگی کمیسیون روابط سندیکایی شناخت کاملی از ساختار سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی در نهادهایی دارند که به نام کارگران ساخته شده‌اند. این صحبت‌ها که حدود نیم‌ساعت ادامه یافت دبیر کل F.S.M را تحت تاثیر قرار داده بود.

در ادامه صحبت این عضو هیئت نمایندگی یکی دیگر از اعضا هیئت به اطلاع مسئولین F.S.M رسانده که از تاریخ ۲۷ سپتامبر تا سوم اکتبر سال جاری مسیحی ده نفر از کارشناسان سازمان بین‌المللی کارشناس تشکل‌های صنفی و کارن کرتیس مسئول بخش امور سندیکایی از ایران بازدید کردند و نتایج تحقیقات خود را به سازمان بین‌المللی کار ارائه دادند که بر اساس نظریه کارشناسی آن‌ها شوراهای اسلامی کار سندیکا محسوب نمی‌شوند و در خودشان ناچار به انتخاب و اقدام هستند به هرحال چنانچه حضرتعالی نظر دیگری راجع به جنگ دارید آن نظر محترم است و اگر فکر می‌کنید که چنان جنگی قطعاً رخ نخواهد داد که ما نیز چنین آرزو می‌کنیم، ولی یادآوری این نکته بی‌فایده نیست که حتی در زمان جنگ سرد و وجود سیستم دو قطبی جهان تعارض ابرقدرتها مانع وقوع جنگ ۸ ساله تحمیلی نشد و نیز اخیراً حکامی مانند ملا محمد عمر، میلوسویچ و صدام نه تنها خود را با مسائل پیچیده و تعقیب بین‌المللی مواجه کردند بلکه مهمتر از آن ملت و کشور خود را در معرض جنگهای ویرانگر قرار دادند البته من از درایت شما در جلوگیری از تحمیل یک جنگ دیگر در زمان حمله آمریکا به عراق در ۱۹۹۰ تقدیر می‌کنم بخصوص که دوستانی مانند جناب آقای خاتمی و جناب آقای محتشمی‌پور در آن زمان بی‌طرفی ایران را برنمی‌تابیدند و اگر اشتباه نکنم ظاهرا طرفدار دخالت ایران در جنگ علیه آمریکا و له عراق بودند.

۱۰ ـ چنانچه امکان‌پذیر باشد تدبیری اتخاذ فرمائید که منافع ملی ایران با منافع ایدئولوژیک در تعارض قرار نگیرند زیرا تعارض ایندو عموما به ضرر منافع ملی تمام می‌شود. مثلا در مورد افغانستان سالها بخاطر منافع با احساسات ایدئولوژیک برای دفاع از گروه‌های جهادی در مقابل ارتش سرخ و ابرقدرت جهنمی شرق هزینه پرداختیم و چه حمایتها که از آقای ربانی و حکمتیار... نکردیم و چه پاسخ‌ها که به توسل سام‌ها و میگ‌های شوروی سابق در جبهه‌های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران دریافت نکردیم و عاقبت هم نتیجه کار را در تشکیل دولت موقت افغانستان دیدیم اگر چه بعضی از دوستان جنایعالی حسرت فقدان امنیت طالبانی را در دل داشتند ولی به هر حال طالبان سقوط کردند و آقای کرزای را شما خود به حضور پذیرفتید.

۱۱ ـ در مورد فلسطین که البته یک سرزمین اسلامی است و ملت مسلمان آن بیش از نیم قرن در آوارگی و مشقت بسر می‌برند آیا لازم است تا این حد با سرنوشت ملت ماگره بخورد؟ آیا بین مسلمان چیچن و هند و فلسطین تفاوت هست؟ مگر مسلمانان چیچن توسط ارتش روسیه سرکوب نشدند؟ چرا منافع ایدئولوژیک ایجاب نکرد که به حمایت مجدانه از آنها نمی‌کنید؟ البته اگر منافع ملی ایران ایجاب کند که با هر کشوری و از جمله آمریکا وارد یک جنگ تمام عیار هم شویم من آمادگی خود را از هم اکنون برای حضور در جبهه جهاد و شهادت اعلام می‌کنم اما خاطره ناخوشایندی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و دوران دفاع مقدس مرا آزار می‌دهد و آن خاطره اینستکه درست در زمانی که هزاران برادر دینی و میهنی‌ام در کنار برادرم شهید اصغر شعله سعدی شعر بلند جهاد و شهادت را در جبهه‌ها می‌سرودند. خواهر مکرمه جنایعالی به دشمن بعثی صهیونیستی عراق پناهده شدند و متاسفانه به منزلت و موقعیت جنایعالی لطمه زدند دلم نمی‌خواهد در صورت وقوع یک جنگ جدید تکرار این قبیل مسائل به حیثیت حضرتعالی خدای ناکرده لطمه وارد کند.

۸ ـ لابد استحضار دارید که ملت بزرگ ایران مارگزیده است و از ریسمان سیاه و سفید می‌ترسد و حق دارد از وقوع یک جنگ جدید نگران باشد. آیا صلاح نمی‌دانید در چند مورد به آنها اطمینان دهید تا رفع نگرانی شود؟ از جمله آنکه ملت اطمینان یابد که حکومت در جنگ فقط مامور به تکلیف نیست بلکه مامور به نتیجه نیز می‌باشد یعنی حکومت مسئولیت نتیجه جنگ را می‌پذیرد. دیگر آنکه حافظه تاریخی ملت با مواضع متغیر آسیب نبیند زیرا دهها خاطره از مواضع متغیر حکومت حافظه ملت ما را آزرده‌اند از جمله آنکه گفته می‌شد اگر صدام دست به دریا بزند دریا نجس می‌شود و اگر با صدام صلح کنیم جواب پیامبر اکرم راچه بگوئیم؟ جواب قرآن را چه دهیم؟ و اگر این جنگ ۲۰ سال هم طول بکشد. ایستاده‌ایم... بالاخره با صدام صلح کردیم. یا وقتی که فاجعه مکه‌رخ داد گفتیم اگر از صدام هم بگذریم از آل سعود نخواهیم گذشت ولی بعدا عربستان تبدیل شد به بال اسلام و یا در مورد اشغال سفارت آمریکا در ایران و به گروگان‌گرفتن دیپلماتها و پرسنل سفارت آمریکا که آنها را تهدید به محاکمه می‌کردیم وقتی که فرصتهای طلائی را از دست دادیم و در آستانه آغاز به کار آقای ریگان بیانیه ننگین الجزائر را پذیرفتیم.

۹ ـ البته توقع ندارم که در خصوص جنگ شما هم مانند من فکر کنید چون من فقط الفبای سیاست را می‌دانم و حضرتعالی علامه هستید. من هیچ جنگی را رحمت نمی‌دانم از جمله جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که بقول آقای رفسنجانی که خود مسئول بسیاری از بدبختی‌های ملت و ناسامانی‌های کشور و نیز یکی از مسئولین ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر می‌باشد و باید پاسخگوی عملکرد خود در قبال ملت مظلوم ایران باشد. این جنگ ۱۰۰۰ میلیارد دلار خسارت مادی داشت و خسارات غیرمادی آن قابل ارزیابی نیست و عین حال با سیاست شما در مورد آمریکا کاملا مخالف باشد؟ و آنرا منطبق با منافع ملی ایران ارزیابی نکند؟ آنچه به شخص من مربوط می‌شود علاوه بر بیش از ۳۰ سال زندگی و کار سیاسی دارای بالاترین مدرک علمی در سیاست هستم و این برای دانستن الفبای سیاست کافی است و آنچه مربوط به غیرت من می‌شود سراپای وجودم را غیرت فرا گرفته آنهم غیرتی حسینی و به همین دلیل است که علیرغم پیش‌بینی خطرات عظیم ناشی از ناخشنودی احتمالی شما از این سطور که ممکن است منجر به بریدن سر من توسط محافل خودسر شود غیرتم اجازه نداد در برابر توهین شما سکوت کنم و لذا علیرغم آن خطرات اعلام می‌کنم هم الفبای سیاست می‌دانم هم الفبای غیرت و هفت شهر غیرت را و نه فقط هفت شهر عشق را گشتمام و هم با سیاست شما در خصوص آمریکا کاملا مخالفم و آنرا در چهارچوب منافع ملی ایران ارزیابی نمی‌کنم. همانطور که طبق نظرسنجی‌های به عمل آمده توسط موسسات عمومی جمهوری اسلامی که صحت آنها مورد تاکید مجلس شورای اسلامی و وزارت ارشاد قرار گرفته، حدود سه چهارم مردم ایران سیاست آمریکایی شما را رد می‌کنند و مذاکره با آمریکا را تایید می‌نمایند. در حالی که طبق نظر شما این سه چهارم مردم ایران یا الفبای سیاست نمی‌دانند یا الفبای غیرت و این در حالی است که جهانیان هوش سیاسی و غیرت ملی ایرانیان را مورد تاکید قرار می‌دهند اما شما که مدیریت این ملت را قبضه کرده‌اید آنها را بی‌سیاست و یا بی‌غیرت می‌دانید. چگونه ممکن است از یک طرف شما اکثریت سه چهارم ملت را بی‌غیرت و یا بی‌سیاست بشناسید و در عین حال به مدیریت خود بر همین مردم بزعم شما بی‌غیرت و یا بی‌سیاست ادامه دهید و اگر نظر شما درست نباشد که البته نیست و آنچنان که ما معتقدیم این مردم در عین برخورداری از مرتبه بالایی از غیرت ملی و هوش سیاسی مذاکره با آمریکا را تایید می‌کنندکه در اینصورت این امر چیزی جز مخالفت آشکار با سیاست‌های شما نیست و در چنین فرضی نیز ادامه مدیریت شما منطقا، قانونا، شرعا و اخلاقا مجاز نیست.

۶ ـ راستی شما نمی‌دانید طبق اصل ۳۹ قانون اساسی حتی هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر و بازداشت و زندانی یا تبعید شده باشد به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است چه رسد به دلسوزان کشور که هدفی جز دفاع از منافع ملی این مملکت ندارند؟! چگونه بخود اجازه می‌دهید به کسانیکه نظر شما را بر نمی‌تابند اینهمه توهین روا دارید؟!

۷ ـ آیا جنایعالی وقوع یک جنگ جدید را صغایر اهداف و برنامه‌های نظام ارزیابی نمی‌کنید؟ ضمنا آنچه با القبای سیاست استنباط می‌شود اینستکه در حذف آقای یاسر عرفات، بین سیاستهای آریل شارون، شما و جورج بوش چندان تعارضی نیست. اگر چنین استنباطی صحیح است چرا باید این همسوئی یا لااقل عدم تعارض برقرار باشد؟

۱۲ ـ آیا زمان آن نرسیده که در انتخاب متحدان استراتژیک تجدید نظر کنیم؟ تا آنجاکه ما می‌دانیم دولتهای سوریه و روسیه و لبنان و سودان از متحدان استراتژیک ما محسوب می‌شوند و فعلا لبنان را مورد بحث قرار نمی‌دهم و سودان نیز با حدود چهار صد میلیون دلار بدهی ظاهرا بلاوصول به ایران مورد نظر نیست تنها در مورد سوریه و روسیه سئوال می‌کنم. سوریه از اول انقلاب تاکنون از حمایتهای بیدریغ ایران چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی و سیاسی برخوردار بوده و عموما در مجامع بین‌المللی علیه ایران موضعگیری می‌نماید. موضع اخیر آن در اجلاس بیروت که هم از ادعای امارات در خصوص جزائر سه گانه ایرانی در خلیج فارس حمایت کرد و هم با رد حمله آمریکا به یک کشور عرب! و نه مسلمان تلویحا از حمله آمریکا به ایران به جای عراق پشتیبانی نمود... و روسیه نیز که تعهدات خود راجع به نیروگاه بوشهر را به اتمام نمی‌رساند و از این رهگذر هم از غرب ارتزاق می‌کند و امتیاز می‌گیرد و هم از ایران و بالاخره در دریای خزر ضمن امضاء قرارداد دوجانبه راهی را گشود که نتیجه قهری آن کاهش سهم ایران در دریای مازندران است و با اعلام مانور نظامی در واقع نشان داد که حرف اصلی را در این منطقه روسیه می‌زند. آیا داشتن چنین متحدان استراتژیکی ما را از داشتن دشمن بی‌نیاز نمی‌کند؟!

۱۳ ـ آیا انتقال انرژی بخشی از آسیای میانه از طریق آذربایجان و جیحان و انتقال انرژی بخش دیگری از آن از طریق ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و دوردزن ایران و محروم‌نمودن جمهوری اسلامی ایران که مسیر کوتاه ارزان، اقتصادی و اصلی بود معلول سیاستهای خود شما نیست؟ آیا پاسخ اینهمه ضرر و عدم‌النفع را چه کسی می‌دهد؟ آیا عدم حمایت بین‌المللی از ایران ما را در خصوص حاکمیت بر جزائر سه گانه در خلیج فارس با مشکل مواجه نمی‌کند؟

ب ـ سیاست داخلی

۱ ـ آیا اصل ۱۵۹ قانون اساسی را که مقرر می‌دارد تشکیل دادگاهها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است را مطالعه فرموده‌اید؟ و آیا اصل ۱۱۰ قانون اساسی که اختیارات رهبر را احصاء نموده بررسی فرموده‌اید؟ اگر آری با چه مجوز قانونی یک دستگاه عریض و طویل به عنوان دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت ایجاد کرده‌اید؟ و آیا شما می‌دانید که دادگستری گوش بفرمان حتی نظر شما را به مثابه قانون آنهم

ادامه در صفحه ۶

فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اطلاعیه کمیسیون

کارگری سازمان

با کمال تاسف اطلاع یافتیم که رفیق حسین سمنانی یکی از رهبران سندیکایی کارگران کفاش درگذشته است. رفیق سمنانی یکی از پرکارترین و علاقمندترین فعالین جنبش سندیکایی و کارگری کشورمان بود که تمام عمر برای سازمان‌یابی و رفاه کارگران مبارزه کرد و در این راه متحمل رنج‌ها و مشقت‌های بسیار زیادی شد. گرچه فعالیت حزبی نیز داشت اما همواره از تداخل فعالیت حزبی و سندیکایی اجتناب و همواره از زمره کسانی بود که از استقلال سندیکاهای کارگری حمایت می‌کرد. ما درگذشت این مبارز دلیر و پیگیر جنبش سندیکایی و کارگری کشورمان را به خانواده ایشان، فعالین جنبش کارگری و سندیکایی و به حزب توده ایران تسلیت می‌گوییم.

کمیسیون کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۲۰۰۲/۱۱/۲۰

دیگر از آمدن هیئت ایرانی و مذاکرات صریح و دوستانه آن تشکر و شوراهای گسترش همکاری‌ها و افزایش دیدارها در آینده باشد. پس هیئت اعزامی کمیسیون ارتباط سندیکایی ایران به طور جداگانه با میسر و ادیب نماینده اتحادیه‌های کارگر سوریه و جبار ایانی مسئول خاورمیانه فدراسیون جهانی سندیکایی در ملاقات در مورد مسائل سیاسی منطقه و ایران با یک‌دیگر گفتگو کردند.

کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران ۲۰۰۲/۱۲/۴

بخش‌هائی از نامه سرگشاده قاسم شعله سعدی به خامنه‌ای